

میزان استفاده استادان از محتوای درسی مناسب برای دانشجویان استعداد درخشان و عادی

شقایق نیک‌نشان*

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

دکتر احمد رضا نصر اصفهانی

دانشیار دانشگاه اصفهان

دکتر ابراهیم میرشاه جعفری

هیأت علمی دانشگاه اصفهان

مریم انصاری

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

چکیده:

هدف این پژوهش، بررسی مناسب بودن کیفیت محتوای تدریس شده به دانشجویان استعداد درخشان بود. روش پژوهش توصیفی بود. جامعه آماری آن، دانشجویان استعداد درخشان و عادی دانشگاه اصفهان به حجم ۴۰ نفر بودند که به شیوه تصادفی انتخاب شدند. و برای برآورد حجم نمونه در انتخاب متخصصان، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. روش گردآوری داده‌ها کمی-کیفی بود. در بخش کمی، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، مشکلات دانشجویان در بعد محتوا بررسی شد. در بخش کیفی، با استادن متخصص در زمینه آموزش استعداد درخشان مصاحبه نیمه سازمان یافته به عمل آمد. یافته‌های پژوهش نشان داد دانشجویان استعداد درخشان و عادی از محتوای تدریس شده در سطح دانشگاه رضایت کامل ندارند. استادان برای مناسب کردن محتوای درسی برای دانشجویان استعداد درخشان بر هفت مقوله تکراری بودن مطالب درسی، حذف یا جایگزینی دروس عمومی، ارائه دروس به صورت عملی، سازمان دهی میان رشته ای، ارائه محتوا به صورت غنی، متناسب کردن محتوا با علائق دانشجویان و انعطاف پذیری محتوا تأکید داشتند.

کلید واژه‌ها:

دانشجویان استعداد درخشان، تسریع، غنی سازی

مقدمه

رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دست یابی به توسعه پایدار به میزان سرمایه گذاری جامعه در زمینه نیروی انسانی، بستگی دارد. به همین سبب، ارتقاء کمی و کیفی دانشگاه‌ها، به دلیل داشتن نقش اساسی در آموزش نیروی انسانی، بسیار حائز اهمیت است. یکی از ارکان اساسی در دانشگاه‌ها موضوع آموزش و فرایند یاددهی و یادگیری است که درباره دانشجویان دارای استعداد درخشان اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که این دانشجویان از ظرفیت و توانایی بالقوه برای رشد و پیشرفت برخوردار هستند و سزاوار توجه بیشتری می‌باشند. نکته حائز اهمیت متفاوت بودن این دانشجویان با دانشجویان عادی در سه حیطه میزان یادگیری، علائق، فهم و عمق یادگیری است (دایجست^۱، ۱۹۹۹). از سوی دیگر این حق تمام افراد است که به تناسب توان و استعدادها خود از آموزش بهره‌مند شوند؛ بنابراین، رعایت اصل توجه به تفاوت‌های فردی که یکی از اصول آموزشی است از جمله مواردی است که بر لزوم توجه به برنامه‌های درسی متفاوت برای فراگیران دارای استعداد درخشان تأکید می‌کند. لذا برای تحقق این امر نمی‌توان برنامه‌های درسی عادی را برای برخی از دانشجویان به کار برد (مهر محمدی، ۱۳۸۲).

از سوی دیگر، فرار مغزها یکی از چالش‌های مهم کشورهای جهان سوم، از جمله ایران است. برطبق آمار ایران از نظر فرار مغزها رتبه دوم را در جهان دارا است (احمدی، ۱۳۸۲). با توجه به آنچه گفته شد در صورتی که نظام آموزشی نتواند نیازهای این دانشجویان را برآورده کند بهداشت روانی آنها به خطر خواهد افتاد. (کاپلان^۲، ۲۰۰۴) شایان ذکر است برای تدوین برنامه درسی مناسب باید این دانشجویان به دقت شناخته شوند.

متأسفانه روند نظام آموزش عالی در اغلب کشورها به گونه‌ای است که افراد سرآمد به علت ناشناخته ماندن از خدمات و برنامه‌های آموزشی متناسب با استعدادهای خود بهره‌مند نمی‌شوند. (کن تو^۳، ۱۹۹۸). بنابراین، اولین گام در تدوین برنامه مناسب، شناسایی این دانشجویان بر اساس معیارهای صحیح و علمی است. از سوی دیگر، باید نیازها، علائق و مشکلات آموزشی این گروه از فراگیران را نیز به دقت شناسایی کرد. این امر به متخصصان

-
1. Digest
 2. Kaplan
 3. Cantu



برنامه درسی اجازه می‌دهد تا برنامه‌هایی مطابق با شخصیت و توانایی فراگیران دارای استعداد درخشان تدوین کنند، برنامه‌ای که بتواند به فراگیران کمک کند تا حداکثر توانمندی‌های بالقوه خود را در زمینه‌های علمی و آکادمیک بروز دهند، به علت اهمیت محتوا در برنامه درسی، در این مقاله محتوای مناسب برای استعدادهای درخشان و مشکلات موجود در برنامه‌های درسی ارائه شده به این دانشجویان بررسی می‌شود. در عین حال محتوای به عنوان اصلی‌ترین رکن برنامه درسی به حساب می‌آید، بنابراین، هنگام انتخاب محتوا، طراحان برنامه باید در رابطه با حجم، نوع و ساختار محتوا تصمیم‌گیری‌های لازم را به عمل آورند. هر یک از این سه حیطة خدشه‌دار شدن یادگیری فراگیران را باعث می‌شود. بنابراین، باید نهایت دقت مبذول شود. در ادامه توضیحاتی پیرامون هر کدام ارائه می‌شود:

۱- حجم محتوا: گسترش روزافزون دانش بشری در تمام شاخه‌های علوم از دو جهت محتوا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از یک سو بسیاری از آنچه امروز دانشجویان می‌آموزند در چند سال یا حتی چند ماه آینده دچار تحول خواهد شد و از سوی دیگر یافته‌های جدید جایگزین آنها خواهد شد (یونسکو، ۱۳۷۶). به بیان دیگر، پیشرفت‌های علمی بشر و دستاوردهای علمی نه تنها حجم عظیمی از اطلاعات را برای ارائه کردن فراهم کرده است، بلکه تغییرات بدیع و پیشرفت‌های مداوم بشر در حوزه‌های مختلف عامل عمده ناپایداری و بی‌ثباتی معلومات شده، به گونه‌ای که امروزه از آن تحت عنوان انفجار اطلاعات نام می‌برند، گسترش دانسته‌های بشری و افزایش پتانسیل دانش باعث شده است تا از دانشجویان دوره‌های مختلف انتظار داشت که حجم وسیعی از آنها را به یاد بسپارند که همین امر باعث می‌شود تا دانشجویان به یادگیری سطحی گرایش پیدا کنند (کندی^۱، ۲۰۰۵). یادگیری به این طریق نه تنها ارزش علمی نداشته، بلکه خلاقیت را نیز در فراگیران از بین می‌برد. بسیاری از صاحب‌نظران راه حل اصلی این مشکل را تأکید بر کیفیت محتوا به جای کمیت آن دانسته‌اند. بنابراین، یادگیری عمیق مطالب همراه با درک و فهم موضوعات درسی جای خود را به یادگیری سطحی می‌دهد. به زغم ایورز^۲ راه حل دیگر تأکید بر توسعه شایستگی‌های عمومی و

1. Kennedy

2. Evers

آموختن اصول دانش بنیادی است (به نقل از کریمی، ۱۳۷۹). رشد و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، برنامه ریزان را در این عقیده هم سو کرده است که آنچه باید به دانشجویان آموخت روش کسب دانش است به گونه‌ای که دانشجویان را به یادگیرندگان خود رهبر^۱ تبدیل کند. فراگیرانی که برای یادگیری به تکیه بر کتاب درسی و استاد نیازی نداشته باشند. تأکید محتوای برنامه درسی بر یادگیری فعال، یادگیری اکتشافی و روش حل مسئله به ویژه برای افراد دارای استعداد درخشان در دستیابی به خود رهبری در یادگیری عاملی مهم محسوب می‌شود.

۲- نوع محتوا: با توجه به پذیرش اصل توجه به تفاوت‌های فردی، باید برای افراد دارای استعداد درخشان محتوای درسی متفاوتی نیز پیش بینی شود و تدابیر خاصی اندیشید. رنزولی^۲ (۱۹۸۲) در طراحی محتوا معادل برنامه فشرده را پیشنهاد می‌کند که به فراگیران دارای استعداد درخشان این امکان را می‌دهد تا به سرعت پیش روند. در این روش سه گام وجود دارد که عبارت هستند از:

۱- شناسایی میزان دانسته‌های قبلی فراگیران (کاربرد آزمون تشخیصی)

۲- خلاصه سازی و فشرده کردن مفاهیم و مهارت‌های ضروری برای یادگیری

۳- تدارک و ارائه موقعیت‌های غنی سازی شده

روش مطمئن دیگری که می‌توان برای پاسخگویی به اصل تفاوت‌های فردی به کار برد، ارائه برنامه‌های انفرادی و در نتیجه محتوای متفاوت و انفرادی به فراگیران دارای استعداد درخشان است. تنها عیب این روش هزینه زیاد آن است. به زعم گالاگر^۳ (۱۹۸۵) با استفاده از دو روش پیچیده سازی و نوآوری می‌توان برنامه‌های انفرادی را به اجرا درآورد (به نقل از مهدی زاده، ۱۳۷۸).

۲-۱. پیچیده سازی محتوا: پیچیده سازی محتوا فراگیران دارای استعداد درخشان را برمی‌انگیزاند تا سطوح بالاتر تفکر را درک کنند که فراگیران عادی یا هم سن، فهم و درک آن

1. self. learning
2. Renzulli
3. Gallager



را مشکل یا غیر ممکن می‌یابند. هدف اصلی آن است تا فراگیران را تشویق کنند تا مطالب انتزاعی، مبهم، قوانین علمی یا اصول کلی را در موقعیت‌های زیادی به کار برند.

۲-۲: نوآوری در محتوا: منظور از نوآوری محتوا، ارائه مطالبی است که معمولاً به علت محدودیت زمانی یا ماهیت انتزاعی دروس در برنامه کلی جایی ندارند. هدف از نوآوری این است که به فراگیران دارای استعداد درخشان کمک شود تا بر ایده‌های مهم تسلط یابند. در این روش فراگیران دارای استعداد درخشان قادر خواهند شد ارتباط‌های موجود بین حوزه‌های درسی را کشف کنند. این به معنای آن است که مدرسان می‌توانند یک یا دو مثال از نوع ماهیت انتزاعی را ارائه دهند. این امر فراگیران را ترغیب می‌کند تا مطالب دیگری را براساس آن پیشنهاد دهند. با توجه به آنچه گفته شد، رعایت اصول مطرح شده عاملی برای ایجاد انگیزه و رغبت یادگیری در فراگیران است و از خمودگی و کسالت فراگیران نسبت به محتوای درسی می‌کاهد.

البته در ارائه محتوا به فراگیران استعداد درخشان می‌توان از روشهای زیر نیز استفاده کرد:

۲-۳: تلفیق در محتوا: نکته دیگری که در رابطه با نوع محتوای ارائه شده برای فراگیران دارای استعداد درخشان باید در نظر گرفت این است که باید تلفیقی از دانش بنیادی (اصول و مفاهیم اساسی) و دانش روز (یافته‌های جدید) در محتوای برنامه گنجانده شود. بدون بررسی اصول و مفاهیم بنیادی هرگز نمی‌توان اساس علمی جالب توجهی در ذهن دانشجو ایجاد کرد و او را به سمت تحقیق و پژوهش تشویق کرد. توجه به دانش جدید نیز بر آگاهی دانشجویان می‌افزاید و این امر خود ایجاد کننده ایده‌های نو و بدیع برای تحقیق و پژوهش است (مشایخ، ۱۳۸۲).

۲-۴: کار بردی کردن محتوا: آنچه که فراگیران یاد می‌گیرند باید هم شامل مبانی نظری و هم کسب مهارت در جنبه‌های فنی و انسانی باشد. ادغام این دو جنبه باعث می‌شود تا یادگیری دانشجویان به مبانی تئوریک صرف منحصر نباشد، بلکه باید مطالبی ارائه شود که در شرایط واقعی زندگی و شغلی افراد کاربرد دارد.

۳- ساختار محتوا: در برنامه‌های درسی ارائه شده برای فراگیران دارای استعداد درخشان ساختار محتوا نیز باید مانند نوع و حجم محتوا باید تغییر و تحول یابد. ساختار و سازماندهی انعطاف ناپذیر و از پیش تعیین شده نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای خاص و منحصر به فرد این

فراگیران باشد. لذا محققان برنامه ریزی درسی معتقد هستند در برنامه‌های مربوط به فراگیران دارای استعداد درخشان استفاده از محتوای درهم تنیده، انعطاف پذیر و سازماندهی میان رشته‌ای امری ضروری است که در ادامه توضیحاتی پیرامون آنها ارائه می‌شود:

۳-۱. کاربرد محتوای درهم تنیده: رایج‌ترین شیوه سازماندهی مواد درسی تنظیم آنها حول محور موضوع درسی بوده است. به این دلیل مطالب در چارچوب یک درس به دقت سازمان یافته و دروس به طور مجزا از یکدیگر تدریس می‌شوند (لوی، ۲۰۰۴). این نوع سازماندهی در واقع با دنیای زندگی واقعی و شغلی فراگیران بی‌ارتباط است و بزرگترین مانع در جهت تدوین برنامه‌ای است که بتواند فراگیران را برای تحصیل مطالب ضروری مورد نیاز فرد و جامعه یاری دهد. به عبارت دیگر، مواد درسی تدوین شده با علائق و نیازهای فراگیران بی‌ارتباط است (مختاری پور و جمشیدیان، ۱۳۸۲).

بر خلاف برنامه‌های مذکور یک برنامه درسی درهم تنیده در دو سطح عمل می‌کند. این برنامه موضوعات مختلفی، که از همه شاخه‌های علم برای یک دوره انتخاب شده‌اند، را به طور افقی به هم ربط می‌دهد و همزمان با تمرکز بر هر یک از موضوعات خاص، به شکل عمودی به دانشجویان کمک می‌کند تا از طریق توالی از پیش تعیین شده مطالبی را درباره ابعاد از آن موضوع بیاموزند. این موضوع با توجه به پیوند افقی با موضوعات دیگر و با تمرکز بر ابعاد گسترده‌تر تدریس می‌شود (کریمی، ۱۳۷۹). به عبارت دیگر، برنامه ریزی درهم تنیده که همان برنامه درسی مارپیچی است با ایجاد نوعی درهم تنیدگی در مطالب درسی برنامه‌ها را از حالت پراکنده و مجزا رها کرده و به فهم بیشتر مطالب درسی توسط دانشجویان کمک می‌کند.

۳-۲. انعطاف پذیری: همان گونه که در قسمت‌های پیشین بیان شد، ساختار رسمی برنامه‌های درسی نمی‌تواند پاسخگوی نیاز دائمی فراگیران به یادگیری باشد. در رابطه با برنامه‌های طراحی شده برای دانشجویان دارای استعداد درخشان نیز این امر منطقی به نظر می‌رسد که از تأکید بیش از حد در رابطه با ساختار رسمی و واحدهای از پیش طراحی شده دست برداشت و در مقابل برای ایجاد انعطاف در تدوین و ارائه محتوا چاره اندیشی کرد. انعطاف پذیری می‌تواند در ارائه واحدها، زمان، مکان و در ورود و خروج دانشجویان مؤثر



باشد. برنامه‌هایی مانند تسریع، غنی‌سازی و سایر برنامه‌های پیشنهاد شده برای فراگیران دارای استعداد درخشان در صورت وجود نداشتن اصل انعطاف‌پذیری اجرایی نیست (باسکا^۱، ۱۹۹۹). در حال حاضر، نبود اصل انعطاف‌پذیری یکی از مشکلات بزرگ سیستم آموزشی دانشگاه است. دانشجویان دارای استعداد درخشان باید لزوماً مانند سایر دانشجویان عادی، واحدها را براساس توالی معین شده بگذارند و پیش‌نیازها را رعایت کنند. این در حالی است که به علت وجود تواناییهای خاص و منحصر به فرد در این دانشجویان، گذراندن چنین سلسله‌مراتبی بی‌مورد به نظر می‌رسد.

۳-۳. سازماندهی میان رشته‌ای: باتوجه به تحقیقات انجام شده، یکی از شرایط اساسی برنامه ریزی ایده‌آل برای دانشجویان استعداد درخشان رعایت سازماندهی بین رشته است (تامیلسون^۲، ۱۹۹۹). این نوع سازماندهی بین دروس مختلف ارتباط برقرار می‌کند و رشته‌های علمی را با همسو کردن آنها در بررسی یک موضوع یا مسأله وحدت می‌بخشد (فرمینی، ۱۳۷۸). پیغامی (۱۳۸۸) متذکر می‌شود در این روش به مفاهیم، مبادی یا موضوعات کلی و اصول مشترک یا نسبتاً مشترک بین دو یا چند رشته توجه می‌شود و به نحو آگاهانه روش، زبان و دانش سازمان یافته چند حیطه از دانش را به منظور بررسی موضوعات و مبادی مشترکی به کار می‌گیرند. درعین حال کاربردها و جلوه‌های بسیار متنوعی از موضوعی واحد از منظر رشته‌های مختلف مطرح می‌شود. لذا در این سازماندهی خاص آموزشی، دانشجویان هرچند به نظام رشته‌ای خاصی مقید نمی‌شوند، ولی موضوعات مهم و واحدی را از ابعاد مختلف و در بسترهای مختلف علمی مطالعه می‌کنند. به عنوان مثال موضوع دولت یا مالکیت همزمان از منظرهای مختلف دینی، حقوقی، سیاسی یا اقتصادی و با به کارگیری مبادی، روش‌شناسی‌ها و روشهای مرتبط با هر منظر بررسی می‌شود، به گونه‌ای که ابعاد متفاوت یک موضوع از جهات مختلف کالبد شکافی شده و در یک طرح منسجم برای دانشجویان ارائه شود. البته، طراحی یک برنامه درسی میان رشته‌ای را در سطوح مختلفی می‌توان انجام داد. چراکه برنامه ما می‌تواند با توجه به رسالت دانشگاه و اهداف کلان آموزشی صرفاً در محدوده مفاهیم

-
1. Baska
 2. Tomillson



بسیار عام یا مفاهیم خاص طراحی شود.

کندی (۲۰۰۵) معتقد است مطالعه میان رشته‌ای موجب عمیق تر شدن بینش و گسترش یافتن تواناییهای بالقوه دانشجو در سازماندهی و به کارگیری ماهرانه دانش می‌شود. همچنین، این نوع مطالعه بر چگونگی به کارگیری مهارت‌های تحقیقی دانشجو تأثیرگذار است و وسعت دیدگاه فرهنگی و اجتماعی او را باعث می‌شود (کریمی، ۱۳۷۹).

تقسیم موضوعها به مواد درسی مجزا، برقراری ارتباط میان مفهوم‌ها و اندیشه‌ها را با موضوعات دشوار می‌کند و بدین ترتیب وجود تمایزهای قراردادی در بین رشته‌ها و موضوعات درسی کاوش روابط خارج از یک ماده درسی خاص را مشکل می‌کند (مهرمحمدی، ۱۳۸۲). اگرچه به کارگیری چنین سازماندهی در ارائه محتوا دور از دسترس به نظر می‌رسد، و نیاز به برنامه ریزی صحیح، تخصصی و دراز مدت دارد، با وجود این می‌توان این نوع سازماندهی را در بسیاری از موضوعها مانند کارآفرینی و کارگاه‌های خلاقیت به کار برد.

استونبرگ^۱ (۱۹۹۷) معتقد است محتوای ارائه شده برای فراگیران دارای استعداد درخشان باید به صورت غنی و چالش برانگیز باشد به گونه‌ای که بتواند کنجکاوی فراگیران را برانگیزاند و آنها را به پژوهش وادار کند. یکی دیگر از ویژگیهای ضروری برای تدوین محتوا، در نظر گرفتن سبک‌های مطالعه دانشجویان و توجه به نیازها و علائق شخصی فراگیران است. بنابراین، محتوا باید به گونه‌ای انتخاب شود تا دانشجویان به فراگیری این موضوعها احساس نیاز کنند و بی‌ارتباط با علائق و نیازهای فراگیران نباشد (گالانگلو^۲، ۲۰۰۱). در صورتی که محتوای برنامه درسی صرفاً بر پایه موضوعهای علمی باشد و جایی برای علائق فراگیران در نظر گرفته نشود خستگی از کلاس و احساس کسالت از فراگیری امری اجتناب‌ناپذیر است (کاشیون^۳ و همکاران، ۲۰۰۰). به اعتقاد چان^۴ (۲۰۰۱) محتوای برنامه درسی فراگیران دارای استعداد درخشان باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

1. Stonberg
2. Gallangloo
3. Cashion
4. Chan



- مطالب درسی باید براساس موضوعهای روز و دانش جدید انتخاب شود.
 - با سبک‌های یادگیری فراگیران هماهنگ باشد.
 - تحریک کننده کنجکاوی فراگیران باشد.
 - ذهن فراگیران را به چالش بکشد.
 - از لحاظ علمی غنی و با ارزش باشد.
 - در هم تنیده و بین رشته‌ای باشد.
 - در زندگی واقعی کاربرد داشته باشد.
 - حول محور مفاهیم و موضوع‌های اساسی رشته‌ها سازماندهی شود.
- با توجه به آنچه مطرح شد، در رابطه با اصلاح محتوا می‌توان به دو طریق عمل کرد. از آن جای که دانشجویان استعداد درخشان در مقایسه با دانشجویان عادی ممکن است قبل از ارائه محتوا در رابطه با موضوع‌های درسی به تسلط رسیده باشند ایجاد اصلاحاتی در برنامه درسی ضروری است، به این معنا که ترتیباتی برای محتوای پیچیده‌تر، به کارگیری تجربه‌ها و در اختیار گذاشتن موضوع‌های درسی پیشرفته‌تر به عمل آید (حسینی، ۱۳۸۲). تغییر در فرایند یا شیوه ارائه محتوا نیز می‌تواند به عنوان دومین راه حل مطرح شود. کنجکاوی این دانشجویان در تمایل به بررسی عمیق موضوعات، علاقه به یادگیری انفرادی، توانایی تحقیق و توانایی اندیشیدن متفاوت از دیگران، انعطاف‌پذیری بسیار زیادی را در برنامه‌ها می‌طلبد. لذا اساتید نباید به شیوه سخنرانی در تدریس اکتفا کنند (پارک^۱، ۱۹۹۱).

روش پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی است و در آن از روش علی-مقایسه‌ای استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش سه دسته از افراد را در بر می‌گیرد. اولین دسته، دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه اصفهان هستند، منظور از دانشجویان استعداد درخشان در این پژوهش دانشجویانی هستند که در کنکور سراسری در مقطع

کارشناسی رتبه زیر ۱۰۰ یا در المپیادهای علمی و ادبی مقام کسب کرده‌اند که لیست اسامی آنها توسط معاونت آموزشی دانشگاه مشخص شده است. تعداد افراد این جامعه ۱۰۲ نفر است. جامعه دوم این پژوهش متشکل از دانشجویان عادی دانشگاه اصفهان است، منظور از دانشجویان عادی در این پژوهش، همه دانشجویانی هستند که به عنوان استعداد درخشان توسط معاونت آموزشی دانشگاه شناخته نمی‌شوند، معدل دانشجویان در این تقسیم بندی هیچ نقشی ندارد.

سومین جامعه آماری صاحب نظران و متخصصان در زمینه استعدادهای درخشان است. منظور از صاحب نظران کسانی هستند که در این مورد مقاله ارائه داده و دروس مربوط به این دانشجویان را تدوین کرده‌اند یا بر اساس تجربه کاری با آنها ارتباط دارند. تعداد افراد این دسته ۱۰ نفر است که به صورت فردی از آنها مصاحبه نیم سازمان یافته به عمل آمد. در این پژوهش از میان ۱۰۲ نفر دانشجوی استعداد درخشان تعداد ۳۲ نفر از آنها به دلایلی از جمله (فارغ التحصیلی، تمایل نداشتن به پاسخگویی به سؤال‌ها و...) از شرکت در پژوهش انصراف دادند که بر این اساس پرسشنامه در اختیار ۷۰ نفر از آنها قرار گرفت، لازم ذکر است که در حال حاضر حدود ۸۰ درصد از آنها در رشته حقوق مشغول به تحصیل هستند. برای مقایسه نتایج حاصل از پرسشنامه دانشجویان استعداد درخشان با دانشجویان عادی، حجم نمونه گروه دانشجویان عادی نیز ۷۰ نفر تعیین شد که از طریق نمونه‌گیری تصادفی این گروه انتخاب و پرسشنامه در اختیار آنها قرار گرفت. برای مقایسه صحیح بین دو گروه (استعداد درخشان و عادی) سعی شد از روش هم‌تا سازی رشته‌ای استفاده شود. بدین معنا که دانشجویان عادی از دانشکده‌هایی انتخاب شوند که دانشجویان استعداد درخشان در آنها مشغول به تحصیل بودند. به علاوه برای برآورد حجم نمونه در انتخاب متخصصان از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد مطلوب استفاده شده است.



ترکیب جامعه و نمونه آماری در دو گروه دانشجویان عادی و دانشجویان استعداد درخشان

رشته تحصیلی	فنی	زیست	زبان	حقوق
جامعه آماری ۱: دانشجویان استعداد درخشان	۱۲ نفر	۴ نفر	۳۰ نفر	۵۶ نفر
نمونه آمار ۱	۹ نفر	۲ نفر	۶ نفر	۵۳ نفر
جامعه آماری ۲: دانشجویان عادی	۲۴۵۰ نفر	۸۶۰ نفر	۱۱۰۰ نفر	۵۲۰ نفر
نمونه آماری ۲	۹ نفر	۲ نفر	۶ نفر	۵۳ نفر

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه فردی و حضوری و نیمه سازمان یافته است. پرسشنامه پژوهش موانع و مشکلات آموزشی را در بعد محتوای برنامه‌های موجود بررسی می‌کند و روشهای بهبود محتوا با استفاده از مصاحبه بررسی می‌شود. برای ساخت پرسشنامه ابتدا یک مصاحبه گروهی با تعدادی از دانشجویان استعداد درخشان ترتیب داده شد و پس از بررسی مشکلات آنها و استفاده از پیشینه و ادبیات موجود در این رابطه پرسش نامه تدوین شد. لازم به توضیح است برای نمره گذاری سؤال‌های پرسش نامه از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی در محیط نرم افزار SPSS استفاده شده است. در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار، به منظور توصیف واقعیت‌های جمع آوری شده استفاده شده است و در سطح آمار استنباطی از آزمون t تک نمونه‌ای، آزمون t مستقل استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از پرسشنامه و مصاحبه

سؤال اول پژوهش: در رابطه با محتوای ارائه شده در کلاس درس وضعیت موجود در گروه آموزشی شما به چه صورت است؟ به منظور تبیین وضعیت یا محتوای ارائه شده در کلاس‌های درس سؤال‌های مربوط به این حیطه در ۱۱ گویه تدوین شده است. لازم ذکر است که سؤال‌های مندرج در جدول‌ها در این قسمت به صورت خلاصه بیان شده است.



جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤال‌های مربوط به محتوای ارائه شده در کلاس از نظر

دانشجویان استعداد درخشان

انحراف معیار	میانگین	زیاد و خیلی زیاد	بسیار زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	بسیار کم	خلاصه سؤال‌ها	
۰/۸۱	۳/۲۴	۲۷/۱	۴/۵۷	۱۵/۲۱/۴	۴۶/۶۵/۷	۴/۵۷	۱/۴	فراوانی درصد	۱- معرفی کتاب‌های مرجع
۰/۸۷۴	۳/۴۰	۵۱/۴	۵/۷/۱	۳۱/۴۴/۳	۲۱/۳۰	۱۳/۱۸/۶	-	فراوانی درصد	۲- معرفی محتوای غنی
۱/۱۱	۳/۱۱	۳۵/۸	۹/۱۲/۹	۱۶/۲۲/۹	۲۳/۳۲/۹	۱۸/۲۵/۷	۴/۵۷	فراوانی درصد	۳- ارائه مواد درسی چالش برانگیز
۰/۹۵۷	۲/۸۴	۲۴/۳	۲/۲/۹	۱۵/۲۱/۴	۲۹/۴۱/۴	۱۸/۲۵/۷	۶/۸/۶	فراوانی درصد	۴- تأکید بر مواد درسی قابل کاربرد
۱/۰۶	۲/۹۲	۳۱/۴	۳/۴/۳	۱۹/۲۷/۱	۲۷/۳۸/۶	۱۲/۱۷/۱	۹/۱۲/۹	فراوانی درصد	۵- فراهم کردن ایده‌های جدید برای پژوهش
۰/۹۱۲	۲/۹۱	۲۷/۲	۲/۲/۹	۱۷/۲۴/۳	۲۷/۳۸/۶	۲۱/۳۰	۳/۴/۳	فراوانی درصد	۶- به روز بودن محتوای ارائه شده
۰/۹۳۰	۲/۹۴	۲۴/۳	۲/۲/۹	۱۵/۲۱/۴	۳۷/۵۲/۹	۹/۱۲/۹	۷/۱۰	فراوانی درصد	۷- دارا بودن انعطاف لازم در سازماندهی مواد درسی
۱/۱۰	۲/۹۸	۳۰	۶/۸/۶	۱۵/۲۱/۴	۳۰/۴۲/۹	۱۰/۱۴/۳	۹/۱۲/۹	فراوانی درصد	۸- متناسب بودن محتوا با علائق دانشجویان
۱/۱۰	۳/۰۲	۳۴/۲	۵/۷/۱	۱۹/۲۷/۱	۲۸/۴۰	۹/۱۲/۹	۹/۱۲/۹	فراوانی درصد	۹- تقویت‌کننده و افزایش دهنده سطح تفکر
۱/۱۵	۳/۰۲	۳۸/۵	۸/۱۱/۴	۱۹/۲۷/۱	۱۴/۲۰	۲۵/۳۵/۷	۴/۵۷	فراوانی درصد	۱۰- معرفی مواد درسی متنوع
۱/۱۸	۳/۰۱	۳۵/۷	۸/۱۱/۴	۱۷/۲۴/۳	۲۱/۳۰	۱۶/۲۲/۹	۸/۱۱/۴	فراوانی درصد	۱۱- قابل استفاده بودن محتوا برای حل مسائل مطرح در رشته

بر اساس یافته‌های جدول ۱ بیشترین درصد تجمعی گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد مربوط به سؤال ۲ «معرفی محتوای درسی غنی و با ارزش» با ۵۱/۴ درصد ($M=۳/۴۰$) و انحراف معیار ۰/۸۷۴ است. کمترین درصد مربوط به سؤال ۴ «تأکید بر مواد درسی قابل کاربرد» با ۲۴/۳ درصد و میانگین ($M=۲/۸۴$) و انحراف معیار ۰/۹۵۷ است.

جدول ۲: مقایسه میانگین نمره محتوای ارائه شده در کلاس درس با معیار فرضی ۳/۵ از نظر

دانشجویان استعداد درخشان

t	Se	S	\bar{X}	
-۶/۳۵	۰/۰۷۲	۰/۶۰۵	۳/۰۴	محتوا

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای پنج صدم کوچکتر است. بنابراین، محتوای ارائه شده در کلاس درس از معیار تعیین شده بسیار پایین تر است. در این میانگین معیار محتوای مطلوب ۳/۵ فرض شده است که از طریق مشاوره با متخصصان تعیین شده است.

نظرات دانشجویان عادی در رابطه با محتوای ارائه شده در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤال‌های مربوط به محتوای ارائه شده در کلاس از نظر

دانشجویان عادی

انحراف میانگین معیار		خلاصه سؤال‌ها					
زیاد و خیلی زیاد	بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	فراوانی درصد	
۲/۸۸	۲۴/۳	۳	۱۴	۳۳	۱۲	۸	۱- معرفی کتابهای مرجع و منابع اصلی رشته تخصصی
۲/۸۸	۴/۳	۲۰	۴۷/۱	۱۷/۱	۱۱/۴	۱۱/۴	فراوانی درصد
۲/۹۷	۳۱/۵	۳	۱۶	۲۸	۲۲	۱	۲- معرفی محتوای غنی و با ارزش (علمی)
۲/۹۷	۴/۳	۲۲/۹	۴۰	۳۱/۴	۱/۴	۱/۴	فراوانی درصد
۲/۹۵	۳۱/۵	۶	۱۶	۲۵	۱۵	۸	۳- ارائه محتوا و مواد درسی چالش برانگیز
۲/۹۵	۸/۶	۲۲/۹	۳۵/۷	۲۱/۴	۱۱/۴	۱۱/۴	فراوانی درصد
۲/۷۵	۳۷/۱	۴	۱۱	۲۸	۱۸	۹	۴- تأکید بر مواد درسی قابل کاربرد
۲/۷۵	۵/۷	۱۵/۷	۴۰	۲۵/۷	۱۲/۹	۱۲/۹	فراوانی درصد
۲/۳۵	۱۰	۲	۵	۲۶	۲۰	۱۷	۵- فراهم نمودن ایده‌های جدید برای پژوهش
۲/۳۵	۲/۹	۷/۱	۳۷/۱	۲۸/۶	۲۴/۳	۲۴/۳	فراوانی درصد
۲/۸۴	۲۲/۹	۲	۱۴	۳۱	۱۷	۶	۶- به روز بودن محتوای ارائه شده
۲/۸۴	۲/۹	۲/۹	۲۰	۴۴/۳	۲۴/۳	۸/۶	فراوانی درصد
۲/۶۷	۱۲/۸	۱	۸	۳۷	۱۵	۹	۷- دارا بودن انعطاف لازم در سازماندهی مواد درسی
۲/۶۷	۱/۴	۱۱/۴	۵۲/۹	۲۱/۴	۱۲/۹	۱۲/۹	فراوانی درصد
۲/۶۲	۱۲/۸	۱	۸	۳۴	۱۸	۹	۸- متناسب بودن محتوا با علائق دانشجویان
۲/۶۲	۱/۴	۱۱/۴	۴۸/۶	۲۵/۷	۱۲/۹	۱۲/۹	فراوانی درصد
۲/۷۲	۱۵/۸	۲	۹	۳۴	۱۸	۷	۹- تقویت‌کننده و افزایش دهنده سطح تفکر
۲/۷۲	۲/۹	۱۲/۹	۴۸/۶	۲۵/۷	۱۰	۱۰	فراوانی درصد
۲/۸۴	۲۱/۴	۴	۱۱	۳۱	۱۸	۶	۱۰- معرفی محتوا و مواد درسی متنوع
۲/۸۴	۵/۷	۱۵/۷	۴۴/۳	۲۵/۷	۸/۶	۸/۶	فراوانی درصد
۲/۸۴	۱۵/۸	۲	۹	۴۰	۱۶	۳	۱۱- قابل استفاده بودن محتوای ارائه شده برای حل مسائل مطرح در رشته
۲/۸۴	۲/۹	۱۲/۹	۵۷/۱	۲۲/۹	۴/۳	۴/۳	فراوانی درصد



یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد بیشترین درصد تجمعی گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد مربوط به سؤال ۴ «تأکید بر مواد درسی قابل کاربرد» با ۳۷/۱ درصد ($M=2/75$) است. کمترین درصد مربوط به سؤال ۵ «فراهم کردن ایده‌های جدید برای پژوهش» با ۱۰ درصد ($M=2/35$) بوده است. یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد t مشاهده شده از مقدار بحرانی در سطح خطای پنج درصد کوچکتر است. بنابراین، محتوای ارائه شده در کلاس بسیار پایین تر از سطح مطلوب ارزیابی شده است.

جدول ۴: مقایسه میانگین نمره محتوای ارائه شده در کلاس درس با معیار فرضی ۲/۵ از نظر

دانشجویان عادی

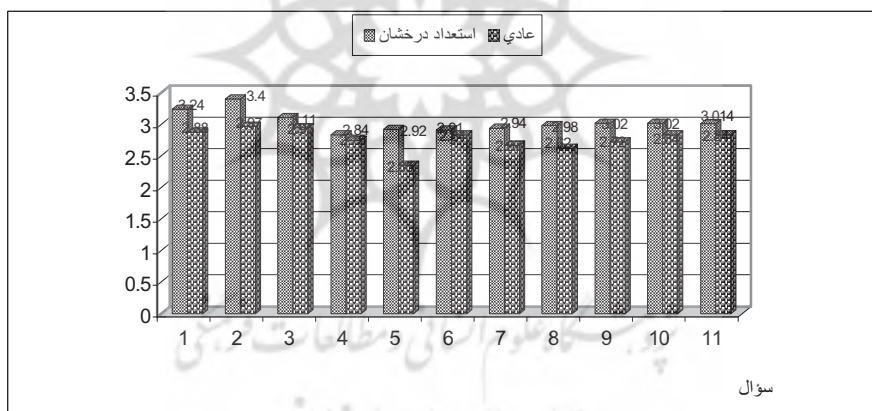
t	Se	S	\bar{X}	محتوا
-۱۰/۸۳	۰/۰۶۷۲	۰/۵۶۲	۲/۷۷	

در این قسمت یافته‌های جدولهای ۱ و ۳ به صورت خلاصه بیان شده است. علاوه بر آن، با استفاده از آزمون t میانگین پایه‌های مربوط به محتوا از نظر هر دو گروه از دانشجویان مقایسه شده است.

جدول ۵: مقایسه میانگین نمره سؤال‌های مربوط به محتوای ارائه شده از نظر دو گروه

P	t	عادی		استعداددرخشان		خلاصه سؤال‌ها
		S	\bar{X}	S	\bar{X}	
۱/۰۱۶	۲/۴۲	۱/۰	۲/۸۸	۰/۷۱۰	۳/۲۴	۱- معرفی کتاب‌های مرجع و منابع اصلی رشته تخصصی
۱/۰۰۵	۲/۸۸	۱/۸۴	۲/۹۷	۱/۸۷۴	۳/۴	۲- معرفی محتوای غنی با ارزش (علمی)
۱/۴۰۶	۱/۸۳۳	۱/۱۲	۲/۹۵	۱/۱۱	۳/۱۱	۳- ارائه محتوا و مواد و بررسی کار کردن
۱/۶۱۶	۱/۵۰۳	۱/۰۵	۲/۷۵	۱/۹۵۷	۲/۸۴	۴- تأکید بر مواد درسی قابل کاربرد
۱/۰۰۲	۳/۲۳	۱/۰۲	۲/۳۵	۱/۰۶	۲/۹۲	۵- فراهم نمودن ایده‌های جدید برای پژوهش
۱/۶۴۹	۱/۴۵۶	۱/۹۴۲	۲/۸۴	۱/۹۱۲	۲/۹۱	۶- به روز بودن محتوای ارائه شده
۱/۰۸۱	۱/۷۵	۱/۸۹۶	۲/۶۷	۱/۹۳۰	۲/۹۴	۷- دارا بودن انعطاف لازم در سازماندهی مواد درسی
۱/۰۳۹	۲/۰۸	۱/۹۰۳	۲/۶۲	۱/۱۰	۲/۹۸	۸- متناسب بودن محتوا با علائق دانشجویان
۱/۰۸۲	۱/۷۵	۱/۹۱۵	۲/۷۲	۱/۱۰	۳/۰۲	۹- تقویت‌کننده و افزایش‌دهنده سطح تفکر
۱/۳۰۸	۱/۰۲	۱/۹۸۷	۲/۸۴	۱/۱۵	۳/۰۲	۱۰- معرفی محتوا و مواد درسی متنوع
۱/۳۳۳	۱/۹۷۲	۱/۸۷۸	۲/۸۴	۱/۱۸	۳/۰۱۴	۱۱- قابل استفاده بودن محتوای ارائه شده برای حل مسائل مطرح در رشته

بر اساس یافته‌های جدول ۵ و نمودار ۱ از یازده سؤال مربوط به محتوای ارائه شده، مشاهده شده در سطح $P \leq 0.05$ در چهار سؤال معنادار بوده است. این سؤالها به ترتیب عبارت هستند از سؤال ۱ «معرفی کتاب‌های مرجع و منابع اصلی رشته تخصصی»، سؤال ۲ «معرفی محتوای درسی غنی و با ارزش»، سؤال ۸ «متناسب بودن محتوا با علائق دانشجویان» و سؤال ۵ «فراهم کردن ایده‌های جدید برای پژوهش». بدین ترتیب بین ارزیابی دانشجویان استعداد درخشان و عادی از وضعیت محتوای ارائه شده در چهار مورد تفاوت معنادار وجود دارد. لازم ذکر است در هر چهار مورد دانشجویان عادی وضعیت محتوای ارائه شده در کلاس درس را پایین تر از دانشجویان استعداد درخشان ارزیابی کرده‌اند. در بقیه سؤالها نیز میانگین دانشجویان عادی کمتر از دانشجویان استعداد درخشان بوده است. به عبارت دیگر دانشجویان استعداد درخشان کیفیت محتوای ارائه شده در همه یازده مورد را بهتر از دانشجویان عادی دانسته‌اند.



نمودار ۱: مقایسه میانگین نمره سؤال‌های مربوط به محتوای ارائه شده از نظر دو گروه

همانطور که گفته شد به منظور غنای داده‌های پژوهش، به غیر از پرسشنامه، از مصاحبه نیمه سازمان یافته نیز برای جمع آوری دیدگاههای محققان در زمینه دانشجویان دارای استعداد درخشان استفاده شده است که سؤال مربوطه و پاسخهای آن به شرح زیر ارائه می‌شود:

سؤال دوم پژوهش: محتوای مناسب برای شکوفا سازی توانایی‌های دانشجویان استعداد

درخشان باید دارای چه ویژگی هایی باشد؟

در رابطه با ویژگی محتوای مطلوب با متخصصان مصاحبه نیمه ساختار مند به عمل آمد که در این راستا متخصصان بر ۷ ویژگی زیر تأکید کرده‌اند که عبارت است از: تکراری نبودن، به روز بودن محتوا، حذف دروس عمومی، ارائه دروس به صورت عملی، سازماندهی تلفیقی و میان رشته ای، ارائه محتوا به صورت غنی، توجه به علایق دانشجویان و انعطاف پذیری محتوا که در ادامه نظرهای آنها در این رابطه ارائه می‌شود.

۱- تکراری نبودن مطالب درسی ارائه شده: به اعتقاد اکثر مصاحبه شونده‌گان، دروس ارائه شده در دانشگاه برای دانشجویان استعداد درخشان و حتی دانشجویان عادی بسیار تکراری و خسته‌کننده است. به اعتقاد این گروه از محققان (۸ نفر، ۸۰٪)، تجدیدنظر اساسی در تدوین دروس و برنامه‌های ارائه شده در دانشگاه برای حل این مشکل الزامی است. یکی از متخصصان در این رابطه چنین اظهارنظر می‌کند: «دروس تخصصی در اکثر رشته‌ها و مخصوصاً رشته‌های علوم انسانی به شدت تکراری هستند و تنها مقدار کمی توضیحات و مطالب اضافی چاشنی مطالب قبلی شده است» (فرد شماره ۲، ۱۳۸۴). برای حل این مشکل ارائه محتوای مناسب، اساتید باید محتوای دروس خود را متنوع کرده و فقدان وابستگی و تأکید بر یک کتاب خاص را در دستور کار خود قرار دهند. در تأیید این مطلب، یکی از استادان معروف در زمینه آموزش دانشجویان استعداد درخشان اظهار می‌دارد:

راه حل مشکل تکراری بودن و کسالت آور بودن دروس دانشگاهی که یکی از معضلات اصلی آموزش در دانشگاه است، ارائه محتوا به صورت غنی و با ارزش علمی توسط اساتید در کلاس‌های درس است. امروزه، متأسفانه بسیاری از اساتید کتابهای خود را تدریس می‌کنند و سایر کتابهای چاپ شده در زمینه مورد نظر را قبول ندارند یا به چند صفحه جزوه در رابطه با موضوع درس اکتفا می‌کنند (فرد شماره ۳، ۱۳۸۴).

۲- حذف دروس عمومی و جایگزین کردن آنها با دروس دیگر: به زعم متخصصان، یکی از مواردی که دانشجویان دارای استعداد درخشان همواره از آن ابراز نارضایتی می‌کنند دروس عمومی است. از نظر این دانشجویان، دروس عمومی سطح علمی بسیار پایینی دارند و



نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای علمی دانشجویان باشد و تنها وقت دانشجویان را می‌گیرد. در رابطه با دروس عمومی محققان نظرات ضد و نقیضی ارائه داده‌اند که برخی موافق و برخی مخالف با آن بوده‌اند. برای مثال، یکی از اساتید محترم معتقد است؛ هدف از دروس عمومی باید مشخص شود. در دروس عمومی دانشگاه، تکرار دروس دبیرستان به چشم می‌خورد و لزومی برای ارائه مجدد آنها وجود ندارد، مگر آن که تجدید نظر کلی در محتوای این دروس به عمل آید و هدف‌های جدیدی برای تدوین این درس تنظیم شود.

حدود ۷۰٪ از مصاحبه‌شوندگان معتقد هستند باید سطح دروس عمومی بالا رود و دروسی مانند فناوری اطلاعات، کارآفرینی، مدیریت و دروسی نظیر آن جایگزین دروس عمومی شود. لازم ذکر است که امتحان معافی که در حال حاضر برای حل مشکل این دانشجویان اجرا می‌شود می‌تواند یکی از راه‌حلهای مفید باشد، اما راه حل اول (جایگزینی دروس جدید چه در زمینه مسائل مدیریت و اشتغال و چه مباحث دینی فرهنگی مورد نیاز دانشجویان) فواید بیشتری دارد. در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد است:

امتحان، دانشجو را از گذراندن کلاس‌های خسته‌کننده و کسالت‌آور رها می‌سازد، ولی اطلاعات جدیدی به او نداده و به علم او نمی‌افزاید. در حالی که جایگزینی دروس عمومی با درسی مانند IT و کارآفرینی نه تنها مشکل کسالت را حل می‌کند، بلکه بر دانش و توانمندی‌های عمومی دانشجویان استعداد درخشان نیز می‌افزاید (فرد شماره ۴۵، ۱۳۸۴).

بر خلاف دیدگاههای مذکور، یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد است: باید بار علمی دروس عمومی بیشتر شود نه این که آنها را حذف کنیم. لازم است به این دروس به صورت استدلالی‌تر و عقلانی‌تر توجه شود نه آن که به صورت توصیفی و صرفاً نقلی آنها را به دانشجویان منتقل کنیم. ۲۰٪ از مصاحبه‌شوندگان نیز چه با حذف این دروس و چه با جایگزینی آنها مخالف و معتقد هستند که برنامه‌های درسی دانشگاه به صورت کاملاً کارشناسی تدوین گشته و نباید به خاطر عده خاصی از دانشجویان تغییری در آنها انجام شود. (فرد شماره ۵، ۱۳۸۴).

۳- ارائه دروس به صورت عملی: درباره دروس تئوری و دروس عملی عقاید متفاوت است. عده‌ای معتقد هستند دانشگاه محیطی آکادمیک است و دروس باید به صورت تئوری ارائه شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید: واقعیت قضیه آن است که دانشگاه یک محیط آکادمیک است نه کارگاه و ما نباید سطح علمی دانشگاه را به خاطر خواست عده‌ای از دانشجویان پایین بیاوریم (فرد شماره ۵، ۱۳۸۴)، اما ۸۰٪ از مصاحبه‌شوندگان بر این باور هستند که باید بین دروس عملی و تئوری به یک اعتدالی دست یافت، به این معنا که برای فهم عمیق مطالب، دروس آزمایشگاهی و عملی ضروری است. به عبارت دیگر، برای دست یافتن به مؤفقت در دروس عملی، تقویت پایه تئوریک دروس ضروری است. البته، سهم دروس عملی در رشته‌های مختلف متفاوت است. با این حال، حتی در رشته‌های علوم انسانی که به ظاهر فقط متکی به دروس تئوری است، برگزاری جلسات موردی (case study)، آزمایشگاهها، و مواردی از این قبیل می‌تواند از حجم دروس تئوری بکاهد و به این ترتیب محتوای دروس را به صورت کاربردی به دانشجویان ارائه کند (فرد شماره ۳، ۱۳۸۴).

۴- سازماندهی محتوا به صورت میان رشته‌ای و تلفیقی: ۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان بر سازماندهی محتوا به صورت بین رشته‌ای تأکید داشتند. به زعم آنها، تلفیق دروس از دو جهت به فراگیران کمک می‌کند: اول اینکه به آنها فهم رشته‌ای می‌دهد و ثانیاً زمینه کاربرد مطالب آموخته شده را از طریق سازماندهی بین رشته‌ای می‌شناسند. یکی از متخصصان برنامه درسی اظهار می‌دارد؛ تدوین برنامه درسی براساس ساختار بین رشته‌ای کاری غیرممکن نیست به شرط این که برنامه ریزان متخصص برای تلفیق وجود داشته باشند (فرد شماره ۹۰). به عقیده متخصصان برنامه ریزی درسی، امروزه وضعیت علم در جهان به گونه‌ای است که از یک سو رشته‌های علمی به سمت تخصصی شدن پیش می‌روند و از سوی دیگر ارتباط میان رشته‌های علم نزدیکتر می‌شود. در حال حاضر، این تصور رواج یافته که دستیابی به تخصص مستلزم یک سری از معرفت هاست که تنها به یک رشته خاص مرتبط نیست.

۵- ارائه محتوا به صورت غنی و پیچیده و معرفی کتاب‌های مرجع: ۸۰٪ از مصاحبه‌شوندگان بر این باور هستند که محتوای ارائه شده در دانشگاه برای پاسخگویی به نیازهای علمی دانشجویان به حد کافی غنی و چالش برانگیز نیست. عده زیادی از اساتید به علت وابستگی خود به یک کتاب، سالهاست که فقط یک کتاب را تدریس می‌کنند. یکی از راه



حل‌های مطرح شده برای حل این معضل، معرفی کتابهای مرجع در هر رشته است تا دانشجویان بتوانند به تناسب نیاز و علاقه خود از این کتاب‌ها استفاده کنند.

به علاوه، ۷۰٪ از مصاحبه‌شوندگان نیز بر ارائه دروس به زبان اصلی تأکید می‌کنند و بر این باور هستند که ارائه کتاب‌ها به زبان اصلی تأثیر بسیار زیادی بر پیشرفت دانشجویان و ادا کردن آنها به فعالیت دارد. یکی از متخصصان برنامه‌ریزی درسی و آموزش افراد دارای استعداد درخشان معتقد است: باید در برنامه درسی و دروس دانشگاه بازنگری کلی به عمل آید. ارائه متون اصلی، محتوای پیچیده و غنی و تأکید نکردن بر یک کتاب خاص می‌تواند در وضعیت آموزشی دانشگاه انقلاب ایجاد کند (فرد شماره ۷، ۱۳۸۴).

۶- متناسب کردن محتوا با علائق دانشجویان: متناسب بودن محتوا با علائق و نیازهای دانشجویان یکی از روش‌های انعطاف‌پذیری در محتوا است که ۷۰٪ از مصاحبه‌شوندگان با این امر موافق و ۳۰٪ دیگر با آن مخالف هستند. به اعتقاد گروه مخالف، نمی‌توان سکان علمی دانشگاه را به دست عده‌ای از دانشجویان سپرد تا بدون مطالعه و تخصص، دروس را بر اساس سلیقه‌های علمی خود تدوین کنند. در حالی که گروه موافق بر این باور هستند که متناسب سازی دروس با علائق دانشجویان می‌تواند انگیزه برای یادگیری را در فراگیران ایجاد کند و آنها را تا بالاترین درجات علمی هدایت کند.

۷- انعطاف‌پذیری در محتوا: لزوم رعایت این امر در برنامه درسی یکی از مواردی است که شش نفر از مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند. یکی از مشکلات برنامه‌های درسی موجود آن است که واحدهای درسی ارائه شده در هر ترم تقریباً ثابت و کم است به طوری که حق انتخاب برای دانشجویان بسیار محدود است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره اظهار می‌دارد: از سال اول تحصیل، واحدهای خاصی به دانشجو ارائه می‌شود و دانشجو بر اساس لیست ارائه شده واحد اخذ می‌کند و این رویه تا پایان تحصیل دانشجو ادامه می‌یابد. به این طریق، دانشگاه قدرت تفکر و مسئولیت را از دانشجو سلب کرده و مانع انتخاب واحد بر اساس نیاز یادگیری دانشجو می‌شود. این امر دانشجو را غیرمسئول بار می‌آورد و باعث می‌شود. تا دانشجو حق انتخابی نداشته باشد. در نتیجه، پس از اتمام تحصیلات رسمی نیز نمی‌تواند به تنهایی برای یادگیری خود تصمیم بگیرد (فرد شماره ۶، ۱۳۸۴).

این انعطاف پذیری برای دانشجویان استعداد درخشان باید در زمان و مکان یادگیری نیز وجود داشته باشد و قوانین و مقررات دانشگاه چنین انعطاف پذیری را در برنامه درسی این فراگیران بگنجانند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش کیفیت محتوا در کلاس‌های درس از نظر دانشجویان استعداد درخشان و دانشجویان عادی مقایسه شد. براساس نتایج به دست آمده بیشترین درصد تجمعی گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد از نظر دانشجویان استعداد درخشان مربوط به سؤال ۲ "ارائه محتوای غنی و با ارزش" با ۵۱/۴ درصد و کمترین مربوط به سؤال ۴ "تأکید بر مواد درسی قابل کاربرد" با ۲۴/۳ درصد بوده است. از نظر دانشجویان عادی بیشترین درصد تجمعی گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد مربوط به سؤال ۴ "تأکید بر مواد درسی قابل کاربرد" با ۳۷/۱ درصد و کمترین مربوط به سؤال ۵ "فراهم نمودن ایده‌های جدید برای پژوهش" با ۱۰ درصد بوده است.

بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش می‌توان چنین استنباط کرد که دانشجویان استعداد درخشان مبانی تئوریک محتوای ارائه شده را بالاتر از مبانی عملی آن ارزیابی کرده‌اند. به عبارت دیگر دانشجویان استعداد درخشان معتقد هستند میزان توجه اساتید به دروس عملی و کاربردی کمتر از میزان توجهی است که به دروس تئوری و نظری مبذول می‌دارند و این در حالی است که متخصصان معتقد هستند باید به دروس عملی و کاربردی در آموزش استعدادهای درخشان توجه ویژه‌ای مبذول داشت. بنابراین، لازم است میزان دروس آزمایشگاهی برای این گروه افزایش یابد تا دانشجویان بتوانند دانسته‌های خود را در موقعیت‌های واقعی و شبیه سازی شده به نمایش بگذارند.

به علاوه نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر دو گروه از دانشجویان کیفیت محتوا را پایین تر از سطح مطلوب ارزیابی کرده‌اند. بنابراین، لازم است برای افزایش سطح کیفیت دانشگاه افزایش میزان رضایت دانشجویان برنامه ریزی‌های دقیق تری در زمینه تهیه و تدوین محتوا انجام شود. نتایج پژوهش با نتایج پژوهش احمدی، (۱۳۸۲)؛ سراج زاده، (۱۳۸۲)؛ مختاری پور و جمشیدیان، (۱۳۸۲)؛ قاسمی، (۱۳۸۲)؛ کندی، (۲۰۰۵) و لویی، (۲۰۰۴) همخوانی دارد. باید اذعان کرد اگر چه هر دو گروه (دانشجویان استعداد درخشان و عادی) کیفیت محتوای ارائه



شده را پایتتر از حد مطلوب تشخیص داده‌اند، اما میزان رضایت دانشجویان استعداد درخشان در حد بسیار کمی بالاتر از دانشجویان عادی بوده است که از دلایل این امر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

به طور کلی دانشگاه به دانشجویان استعداد درخشان خدمات و امکانات بیشتری ارائه می‌دهد برای مثال تأمین هزینه برای پژوهش‌های دانشجویی، دسترسی به اینترنت پر سرعت و... که این امر بر میزان رضایت دانشجویان از برنامه درسی تأثیر گذار است. معمولاً اساتید به دانشجویان استعداد درخشان بیشتر توجه می‌کنند. که این امر بر میزان رضایت دانشجو از برنامه درسی ارائه شده به طور غیر مستقیم تأثیر گذار است. در برخی موارد دانشجویان عادی ممکن است کم کاری خود را به سیستم آموزشی دانشگاه تعمیم دهند.

البته، برای شناسایی عوامل اصلی این پیامد باید پژوهش‌های دیگری در این زمینه انجام شود.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

۱- تأکید بر محتوای درسی قابل کاربرد، ارائه دروس به صورت عملی و آزمایشگاهی و کاستن از بخش تئوریک دروس، این امر می‌تواند تا حد جالب توجهی مشکلات ناشی از غیر کاربردی بودن محتوای درسی در موقعیت‌های واقعی را کاهش دهد.

۲- محتوای درسی باید به گونه‌ای باشد تا دانشجویان بتوانند با استخراج ایده‌های پژوهشی، بر عمق مطالب آموخته شده بیفزایند. این امر می‌تواند از طریق ارائه ایده‌های پژوهشی توسط اساتید در پایان هر مبحث از درس حاصل شود.

۳- معرفی کتابهای نامناسب می‌تواند دلسردی و خستگی دانشجویان از دروس را باعث شود و انگیزه یادگیری را در آنها کاهش دهد. بنابراین، باید ضمن استفاده از کتابهای مفید و به روز، از تکیه افراطی بر یک منبع به خصوص یک جزوه آموزشی پرهیز کرد.

۴- توجه به نیازها و علائق دانشجویان نیز از جمله مواردی است که محققان برای بالا بردن رضایت دانشجویان بر آن تأکید می‌کنند، در حالی که بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه این نکته در ارائه محتوا کمتر در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، لازم است تمهیداتی اندیشیده شود تا در راستای موضوع درس، اساتید به علائق و نیازهای دانشجویان توجه کنند.



اگر چه توصیه‌های ارائه شده در بالا در مورد همه دروس کاربردی است، اما باید گفت اگر چه ضرورت اصلاح محتوا در سطح دانشگاه به خوبی احساس می‌شود و موارد ذکر شده در این مقاله نیز می‌تواند برای تحقق این هدف کار ساز باشد، اما اهمیت اصلاح محتوا به حدی است که نمی‌توان بدون تغییرات نظام مند، جامع و منسجم در محتوا به آن جامه عمل پوشانید و تنها با اقدامات موردی و پراکنده برخی اساتید نیز این امر میسر نمی‌شود.





منابع

- احمدی، احمد، (۱۳۸۲). بررسی رضایت دانشجویان استعداد درخشان اصفهان، مجموعه مقالات همایش ملی استعدادهای درخشان.
- گالاگر، جیمز، (۱۳۷۶). آموزش کودکان تیزهوش، ترجمه م. مهدی زاده، مشهد، آستان قدس رضوی.
- حسینی، اشرف‌السادات، (۱۳۸۲). شیوه‌های تدریس اثربخش برای استعدادهای درخشان، مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادهای درخشان، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- مختاری پور، مریم و عبدالرسول جمشیدیان، (۱۳۸۲). بررسی موانع آموزشی و پژوهشی پرورش خلاقیت در دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه اصفهان، مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادهای درخشان، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- سراج‌زاده، سیامک، (۱۳۸۲). بررسی زمینه اجتماعی دانشجویان ممتاز و نگرش آنان نسبت به مسائل دانشگاه، اصفهان، مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادهای درخشان.
- مهر محمدی، محمود، (۱۳۸۲). چشم اندازها، رویکردها، نظرگاهها و دیدگاههای برنامه ریزی درسی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- فرمehینی، محسن، (۱۳۷۸). بررسی زمینه اجتماعی دانشجویان ممتاز و نگرش آنان نسبت به مسائل دانشگاه، اصفهان، مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادهای درخشان.
- قاسمی، محمد مهدی، (۱۳۸۲). روش‌های ارزشیابی و سنجش دانشجویان تیزهوش و اصفهان، مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادهای درخشان.
- کریمی، صدیقه، (۱۳۷۹). بررسی شیوه‌های تحقق یادگیری مادام‌العمر در برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی ارشد آموزش عالی ایران، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- مشایخ، فریده، (۱۳۸۲). دیدگاه‌های نو در برنامه ریزی آموزشی، چاپ چهارم، تهران، سمت.
- پیغامی، عادل، (۱۳۸۸). درآمدی بر طراحی برنامه‌های درسی با تأکید بر رویکردهای تلفیقی، نگاهی کلی به برنامه درسی میان رشته‌ای، شماره اول، تابستان ۱۳۸۸.
- Baska, J, (1999). The development of academic tallent for high ability learner, *Phi Delta Kappan*, 79 (10) و 760-763.



- Cantu, L, (1998). Traditional methods of identifying gifted students"IDRA New Letter" JUNE-JULY, *Intercultural Development Research Association*.
- Cashion, M & Sullenge, R. K, (2000).Contact us next year: Training teachers use of gifted practices, *Peper Review*, 23.197-202.
- Chan, D. W ,(2001).Charecteristics and competentionies of teachers of gifted learnersin Hongkong teachers perspective, *Roper Review* 23, 18-21.
- Gallangloo, N, (2001).Consulting need of diverse gifted student, *Roper Rivion*, 8(1). 33-37.
- Digest. E, (1998). Strategies for identifying the tallented, <www. Education world. com>.
- Gallager, J, (1985). Accountabillity for gifted student, *Phi Delta Kapan*, 79(10). 739-743.
- Kaplan, L, (2004). Helping gifted student with stress, <ERIC Ec Digest>.
- Park, B, (1991). Challanging gifted in the regular classroom, <www. Kidsourse.com>.
- Renzulli, J. S & Ries.S, (1998).The reform movement in gifted education, *Giffed Child Quarterly*, 35(1). 26-35.
- Stonberg. R. J, (1997). *Beyond Io: 'A theory of human intelligence*, New Yourk, Combridge University Press.
- Tomillson, C. A, (1999). Gifted learners in the middle school; Problem or promise, *Journal for the education of the giffed*, 20(2), 155-171.
- kenedy, J, (2005). Helping creative and gifted children, *Gifted child today*, 9 (3), 22- 23.
- looiy. H, (2004). Broding career horizon for creative girc; *Gifted child today*, 11 (1). 9 -11.